

ارتش‌های ایرانیان باستان (۱)

هخامنشیان

۵۶۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد

نویسنده: دکتر نیکولاس سکوندا

تصویرگر: سیمون چو

برگردان: یوسف امیری

سرشناسه : سکوندا، نیک، ۱۹۵۳ - م.

Sekunda, Nick

عنوان و نام پدیدآور : ارتش‌های ایرانیان باستان (۱)، هخامنشیان، ۵۶۰ تا ۳۳۰ پیش

از میلاد/نگارش: نیکولاس سکوندا؛ تصویرگر: سیمون چو؛

برگردان: یوسف امیری.

مشخصات نشر : مشهد: گل آفتاب، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۴۸ ص.

فروست : ایران، تاریخ، پیش از اسلام، ۲.

شابک : 964-5599-88-1

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : عنوان اصلی: The Persian army 560 - 330 BC, 1992

موضوع : تسلیحات -- ایران

موضوع : ایران -- ارتش -- تاریخ -- پیش از اسلام

موضوع : ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق. م

موضوع : ایران -- تاریخ نظامی -- پیش از اسلام

شناسه افزوده : چو، سیمون، تصویرگر

شناسه افزوده : Chew, Simon

شناسه افزوده : امیری، یوسف، ۱۳۴۹ -، مترجم.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۸۴۸/س DSR11۷

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۲۵۷۶۷

This is an authorized Persian translation of the book
The Persian Army, 560 – 330 BC
Nicholas Sekunda, Illustrated by Simon Chew
Osprey Publishing, © 1992

ارتش های ایرانیان باستان (۱)
هخامنشیان (۵۶۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد)

نویسنده: نیکولاس سکوندا

تصویرگر: سیمون چو

برگردان: یوسف امیری

صفحه آرایی و طرح جلد: حمیده ساعتچی

لیتوگرافی: رضا ۲۲۵۹۷۷۱ (۰۵۱۱)

چاپ و صحافی: دقت ۳۰-۲۲۰-۳۸۱ (۰۵۱۱)

چاپ یکم: ۱۳۹۱ خورشیدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه رقعی

شابک: ۹۶۴-۵۵۹۹-۸۸-۱

بها ۱۰۰۰۰ تومان

انتشارات گل آفتاب

مشهد- خیابان احمدآباد- ناصر خسرو ۱۹- خیابان فروردین- شماره ۳۴

تلفن: ۸۴۴۱۴۶۰ (۰۵۱۱) دورنگار: ۸۴۲۷۱۵۸ (۰۵۱۱)

www.golaftab.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	پیشگفتار مترجم
۱۳	- ایران و یونان
۱۷	- معرفی منبع های یونانی درباره هخامنشیان
۲۲	- درباره این ترجمه
۲۵	پیش درآمد
۲۸	- ردای شاهانه ایلامی
۳۲	فصل یکم: ارتش ملی هخامنشیان
۳۷	- سازمان ارتش
۴۰	- بی مرگان
۴۷	- نخستین ناوگان ایرانی
۴۹	فصل دوم: داریوش بزرگ
۵۵	- یونیفرم های هنگ هخامنشی
۶۷	- تغییر به پوشاک مادی
۷۱	فصل سوم: جنگ در غرب
۷۴	- نبرد ماراتن
۷۶	- گسیلش به یونان
۸۴	- اسپره - بره
۹۰	- کمانگیران سپردار
۹۴	- صلح کالیاس
۹۴	- دفاع شهربانی ها
۱۰۰	- سواره نظام سپردار

۱۰۳	- زین زرهی
۱۰۷	- نیروهای مزدور
۱۰۹	- تاکه بره
۱۱۳	فصل چهارم: عقب‌نشینی‌ها و اصلاحات سده چهارم پیش از میلاد ...
۱۱۶	- زره پوشان
۱۲۲	- اصلاحات ایفیکرانس
۱۲۴	- اصلاحات داتامه
۱۲۸	- سوارش شهرانی‌ها
۱۲۹	- اپیلکتوس‌های یونانی
۱۳۱	- فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی
۱۳۵	لوحه‌های رنگی، طراحی شده بر پایه مدارک تاریخی
۱۵۳	فصل پنجم: شرح لوحه‌های رنگی
۱۵۵	- تابوت عبدالونیموس
۱۵۶	- موزاییک اسکندر
۱۶۷	- ارغوانی و زعفرانی
۱۷۴	- هنگ ترکیبی
۱۹۱	- کارداکا
۱۹۵	- شهرک‌های نظامی
۱۹۹	- هنگ‌های سواره نظام پارسی
۲۰۲	- خویشاوندان
۲۲۱	پیوست‌ها
۲۲۳	- فهرست شاهان هخامنشی
۲۲۴	- نقشه‌ی شاهنشاهی هخامنشی
۲۲۵	- نمایه
۲۳۵	- کوته نوشت‌ها و منبع‌ها

به نام خدایی که جان آفرید
سخن گفتن اندر زبان آفرید

www.ketab.ir

پیشگفتار مترجم

- ایران و یونان
- معرفی منابع یونانی درباره هخامنشیان
- درباره این ترجمه

گستره‌ی فرمانروایی ایرانیان در دوران هخامنشیان بیشتر جهان شناخته شده و متمدن آن روزگار را شامل می‌شد یعنی در گوشه‌ی جنوب خاوری آن شمال هندوستان بود و در شمال خاوری آن باختریش (بلخ امروزی) و خوارزم و آسیای میانه؛ گوشه‌ی جنوب باختری آن مصر و نوبیه (حبشه یا اتیوپی) بود و سرزمین‌های یونانی در شمال باختری آن. ایرانیان دویست و سی سال بر این گستره‌ی پهناور فرمان راندند یعنی از سال ۵۶۰ پ.د.م (پیش از دوران مشترک) تا ۳۳۰ پ.د.م.

دوران هخامنشیان یکی از موضوع‌های مهم تاریخ ایران است که متأسفانه شناخت کافی و درست درباره‌ی آن چندان گسترده و فراوان نیست. (بگذریم از این که امروزه بسیاری از مردم ایران تنها به دوران هخامنشیان افتخار می‌کنند بی آن که شناخت پایه و مقدماتی از آن دوران داشته باشند و حتا تاریخ آغاز و پایان آن را بدانند). تا مدت‌های زیادی دانش کافی از هخامنشیان وجود نداشت و تاریخ هخامنشیان به عنوان گوشه‌ای از تاریخ یونان باستان مطالعه می‌شد. به گمانم در دوران معاصر، نخستین بار جورج راولینسون^۱ انگلیسی در کتاب هفت جلدی خود به نام «هفت پادشاهی بزرگ خاورزمین باستان» در جلد پنجم به طور مفصل به هخامنشیان پرداخت.^۲ پس از وی، آلبرت اومستد^۳، استاد دانشگاه شیکاگو در آمریکا، کتاب پژوهشی و مهمی به نام «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی» نوشت که در سال ۱۹۴۸ م. / ۱۳۲۷ خ. منتشر شد و زنده‌یاد دکتر محمد مقدم آن را در سال ۱۳۴۰ خ. به

۱ George Rawlinson (۱۸۱۲ تا ۱۹۰۲ م. / ۱۱۹۱ تا ۱۲۸۱ خ.)

۲ نام انگلیسی این مجموعه کتاب چنین است:

The Seven Great Monarchies of the Ancient Eastern World

عنوان جلدهای آن عبارتند از: جلد ۱: کلد، جلد ۲: آشور، جلد ۳: بابل، جلد ۴: ماد، جلد

۵: هخامنشیان، جلد ۶: اشکانیان، جلد ۷: ساسانیان.

۳ A.T.E (Albert Ten Eyck) Olmstead (۱۸۸۰ تا ۱۹۲۵ م. / ۱۲۵۹ تا ۱۳۲۴ خ.)

پارسی برگرداند. اثر و حرکت مهم بعدی در زمینه‌ی پژوهش در تاریخ هخامنشیان در دهه‌ی ۱۹۸۰ م./ ۱۳۶۰ خ. رخ داد. به ابتکار خانم دکتر «هلین سانسسی-ویردنبورخ»^۱ هلندی - که دکتری خود را در زمینه‌ی ارتباط هخامنشیان و یونانیان گرفته بود - مجموعه سخنرانی‌ها و همایش‌هایی به نام «کارگاه تاریخ هخامنشیان» در دانشگاه خرونینگن^۲ هلند برگزار شد. در دو سال نخست، تنها کارشناسان هلندی در آن شرکت داشتند اما از سال سوم، کارشناسان از کشورهای دیگر نیز فراخوانده شدند از جمله‌ی این کارشناسان خانم دکتر «آملی کوهرت»^۳ انگلیسی و دکتر «پی‌یر بریان»^۴ فرانسوی و دکتر «تیکولاس سکوندا»^۵ ی‌ل‌هستانی (نویسنده‌ی کتاب حاضر) بودند. پژوهش‌های این سه تن اخیر، امروز جداگانه جایگاه مهمی در بازشناسی تاریخ هخامنشیان دارد. کتاب «تاریخ هخامنشیان از کورش بزرگ تا اسکندر» پی‌یر بریان از کارهای مهم و شناخته شده است.

سانسیسی این پرسش مهم را مطرح کرد که چرا و چه گونه در تاریخ هخامنشیان دوران پس از خشیارشا را «دوران انحطاط» می‌خوانند حال آن که پس از خشیارشا (در گذشته ۴۶۵ پ.د.م.) نزدیک ۱۳۰ سال دیگر شاهنشاهی هخامنشیان پابرجا بود (حملة اسکندر: ۳۳۳ پ.د.م.). این چه گونه انحطاطی است که ۱۳۰ سال طول کشید و از «دوران شکوه» هم طولانی‌تر بود؟ نتیجه این که، انحطاط بیشتر در منبع‌های یونانی است تا در واقعیت شاهنشاهی هخامنشیان. تاکید و تکیه‌ی بیش از حد بر منبع‌های یونانی سبب شده است که شناخت ما از تاریخ هخامنشیان یک‌سویه و نادرست باشد. حاصل برگزاری این کارگاه‌ها، یک مجموعه‌ی نه جلدی از مقالاتی است که خود سانسسی و

۱ Heleen Sancisi Weerdenburg (۱۹۴۴ تا ۲۰۰۰ م./ ۱۳۲۳ تا ۱۳۷۹ خ.)

Groningen ۲

۳ Amelie Kuhrt (زاده: ۱۹۴۴ م./ ۱۳۲۳ خ.)

۴ Pierre Briant (زاده: ۱۹۴۰ م./ ۱۳۱۹ خ.)

کوه‌ها و ویرانه‌ها آن بودند و به تازگی نیز به کوشش آقای مرتضی ثاقب‌فر به زبان پارسی برگردانده شده‌اند.

✓ ایران و یونان

یونانیان به ویژه از نظر جغرافیایی در حاشیه‌ی گسترده‌ی پهنای شاهنشاهی هخامنشیان بودند. تقریباً همه‌ی شهرهای یونانی در آسیای کهنتر (یا آناتولی) در زیر فرمان هخامنشیان بودند و بسیاری از شهرهای یونانی در اروپا و منطقه‌ی دریای اژه هم به زیر فرمان هخامنشیان بودند یا متحد آنان. تنها شهرهایی چون آتن و اسپارت گاهی با هخامنشیان دشمن می‌شدند و گاهی با آنان متحد. آن شهرهای یونانی که زیر فرمان هخامنشیان نبودند بیشتر به صورت مستقل (و در بیشتر زمان‌ها در مخالفت یکدیگر) اداره می‌شدند و این، نه به خاطر پیشرفتگی ساختار سیاسی، بلکه به خاطر خوی سرکش و تکروی آنان بود که هیچ شهری شهر دیگر را به رهبری و پیشوایی نمی‌پذیرفت. اگر هم هر از گاهی اتحادی میان آنان شکل می‌گرفت، باز به خاطر تکروی یکی از شهرها، اتحادیه از هم می‌پاشید و میان آنان جنگ درمی‌گرفت مانند «اتحادیه‌ی دلووس» و داستان جنگ‌های پلوپنیزی^۱.

چند درگیری نظامی میان هخامنشیان و یونانیان که به اشتباه «جنگ‌های ایران و یونان» خوانده می‌شود پس از «کارگاه تاریخ هخامنشیان» با اصطلاح درست‌تر «لشکرکشی‌های ایران به یونان» نامیده می‌شود زیرا در آن زمان واحد سیاسی مستقلی به نام «یونان» وجود نداشته است که بتواند با ایران وارد جنگ شود و بیشتر سرزمین‌های یونانی زیر فرمان یا متحد ایرانیان بودند. در همان دوران خشیارشا نیز بیشتر شهرهای یونانی در اروپا متحد هخامنشیان

بودند. هرودوت (دفتر ۷ بند ۱۰۶) می‌نویسد مردم آرگوس پس از مرگ خشیارشا از اردشیر خواستند که همان رابطه‌ی دوستانه‌ی پدرش را با آنان ادامه دهد. دیگر این که این صفتی یکنواخت نبوده است و مردم یونانی بسیاری به ویژه ساکنان شهرهای یونانی آسیای کهنتر، در سپاه هخامنشیان حضور داشتند و با یونانیان دیگر می‌جنگیدند.

یونانیان در آن زمان از «دوران تاریک»^۱ خود بیرون آمده بودند و نوشتارهای سیاسی به جا مانده از آن دوران یونان، مانند کتاب‌های افلاطون و گزنفون و دیگر اندیشمندان یونانی آن روزگار حکایت‌گر آن است که یونانیان به دنبال ساختار سیاسی مناسب و بهبود شرایط زندگی خود بوده‌اند و از این پریشانی و جنگ‌ها و درگیری‌ها خسته شده بودند.

یونانیان به خاطر مشکل‌های اقتصادی در رنج و سختی و نداری بودند و بسیاری از آنان به صورت مزدور (مردبگیر) در خدمت هخامنشیان بودند. اگر در یک درگیری، غنیمتی از هخامنشیان به دستشان می‌رسید از «تجمل» و «زندگی اشرافی» سربازان و سرداران هخامنشی دهانشان باز می‌ماند. هرودوت در تاریخ خود (دفتر ۹ بند ۸۲) می‌نویسد پائوسانیاس^۲ اردوگاه خود را با اردوگاه مردونیه^۳ مقایسه کرد و به سرداران یونانی گفت: «شما را به اینجا خواندم تا ابله‌ی این سردار ایرانی را ببینید! او با این همه تجمل و دارایی به سرزمین ما حمله کرده است تا این فقر و تنگدستی را هم از ما بگیرد!»

البته روشن است که دلیل لشکرکشی هخامنشیان به یونان به دست آوردن ثروت آنان نبود بلکه بیشتر به خاطر کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های آنان در نظم مورد نظر هخامنشیان برای آن منطقه بود. پی‌یر بریان در کتاب یاد

Greek Dark Ages ۱

Pausanias ۲

Mardonius ۳

شده در بالا (در ص ۱۶۱) می‌نویسد که «از دیدگاه هخامنشیان، ماراتن درگیری خردی بود که برآمد آن هیچ‌گونه تاثیری بر نقشه‌های داریوش بزرگ برای منطقه‌ی دریای اژه نداشت». می‌دانیم که حضور هخامنشیان در یونان بیشتر به سود یونانیان تمام شد زیرا باعث ورود ثروت و نیز دستیابی آنان به علم خاورزمین و نیز آشنایی‌شان با جنگ‌افزارهای تازه بود (همان گونه در کتاب حاضر خواهیم دید). به خاطر همین نداری بود که می‌بینیم برای نمونه، در زمان اردشیر هخامنشی، پسر خشیارشا، رشوه‌ها و سکه‌های ایرانیان به سادگی معادله‌های سیاسی یونانیان (و «آزادی‌خواهی» آنان) را بر هم می‌ریخت. همان گونه که در کتاب حاضر هم آمده است، شاه اسپارت گفت که: «ده هزار کماندار ایرانی (اشاره به سکه‌های هخامنشی که نقش کماندار روی آنها بود) مرا از آسیا بیرون رانند».

اومستد در کتاب «تاریخ شاهنشاهی هخامنشیان» (ص ۲۸۵) می‌نویسد: «یونانیان علم شرقی را از آن خود ساختند بی آن که سرچشمه‌ی آن را یادآور شوند و سپاسگزار آنان باشند. این که تالس نخستین کسی بود که دب اصغر را معلوم کرد تنها در میان یونانیان درست است زیرا فنی‌ها چندین سده بود که کشتی‌های خود را از روی آن راهنمایی می‌کردند. گفته می‌شود که فیثاغورث - دومین فرزانه‌ی بزرگ از نسل تالس - از مصر و بابل دیدن کرد. قضیه‌ای که به نام او شناخته شده تنها برای یونانیان تازگی داشت». یاد در ص ۴۴۶ می‌نویسد «آناکساگوراس شهر خود - را که زیر فرمان ایرانیان بود - ترک گفت تا از آتن دیدن کند... او به مردم آتن گفت که ماه نورش را از خورشید می‌گیرد و نپه و دره دارد و حتا خانه در آن هست و خورشید یک پارچه فلز داغ سرخ شده است که از (شبه جزیره‌ی) پلوپونز هم بزرگتر است. این برای آتنی‌های خرافاتی افزون از اندازه بود. آناکساگوراس به جرم بی‌دینی و برای آموختن ستاره‌شناسی و برای طرفداری از ایرانیان به دادرسی فراخوانده شد اما از ترس جان خود گریخت».

تاثیرهای فرهنگی و نظامی ایرانیان بر یونانیان فراوان است و برای نمونه علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب خانم «مارگارت کریستینا میلر» به نام «آتن و ایران در سده‌ی پنجم پیش از میلاد: پژوهشی در زمینه‌ی پذیرندگی فرهنگی»^۱ (۲۰۰۴ م. / ۱۳۸۳) نگاه کنند. هم چنین دکتر جلال خالقی مطلق بندهایی از کتاب «آتانیوس» به نام «بزم فرزندگان» را - که به ایران مربوط می‌شده است - به پارسی ترجمه کرده و با نام «ایرانیات در بزم فرزندگان» منتشر کرده است و با مطالعه‌ی این کتاب نیز می‌توان به تاثیر و حضور پیوسته‌ی ایران در میان یونانیان و رومیان پی برد.

حتا پوشاک یونانیان در آن زمان اندک بود و وقتی پوشاک برازنده و سرتاسری و گلدوزی شده‌ی سپاهیان هخامنشی را می‌دیدند به تماشای آن می‌ایستادند. پس از درگیری مارتن، اسپارتیان به میدان نبرد رفتند تا لباس‌ها و جنازه‌های سپاه هخامنشیان را تماشا کنند (هرودت، دفتر ۶ بند ۱۲۰). در مسابقه‌های ورزشی در یونان به برنده تنها شاخه‌ای از درخت برگ‌بو یا درخت غار^۲ را جایزه می‌دادند. اما رسم ایرانیان چنان بود که شاه به برندگان، جامی از طلا یا نقره یا مفرغ می‌داد. بعدها این رسم ایرانی در میان اروپاییان رایج شد و امروزه شاهد گرفتن جام قهرمانی هستیم (و مردم ما به جای «جام» گاهی به آن «کاپ» می‌گویند) این موضوع نیز در کتاب ایرانیات آمده است.

متأسفانه به خاطر برخورد جانبدارانه‌ی بیشتر اروپاییان با تاریخ یونان، بسیاری از این واقعیت‌ها چندان برای همگان شناخته شده نیست و از یونان باستان تصویری آرمانی و ناواقعی در رسانه‌ها نمایانده می‌شود و در حق ایرانیان باستان ستم‌های فراوانی روا داشته می‌شود. بد نیست در اینجا یادی هم از زنده‌یاد امیرمهدی بدیع کنیم که شاید نخستین بار در دوران معاصر درستی و

صداقت و اعتبار منبع‌های یونانی در زمینه‌ی تاریخ هخامنشی را به چالش کشید و در دهه‌ی ۱۹۶۰ م. ۱۳۴۰ خ. کتاب «یونانیان و بربرها» را در شش جلد نگاشت که چند سال پیش به زبان پارسی ترجمه شد.

✓ معرفی منبع‌های یونانی درباره‌ی هخامنشیان

می‌دانیم که هخامنشیان دستگاه اداری و دیوانی بسیار پیچیده و پیشرفته‌ای داشته‌اند و همه چیز را ثبت و بایگانی می‌کردند. برای نمونه هرودوت در بند نخست کتاب خود (دفتر ۱ بند ۱) برای اعتباربخشی به نوشتارهایش می‌گوید «بر پایه‌ی سخن ایرانیانی که بهترین آگاهی را در زمینه‌ی تاریخ دارند...» هم چنین کتسیاس کنیدوسی^۱ (به صفحه‌های بعد نگاه کنید) می‌گوید «هر آنچه می‌نویسم بر پایه‌ی بایگانی شاهنشاهی هخامنشی است». در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان نیز آمده است که هخامنشیان رخدادهای روزگار خود و تاریخ خود را به دقت ثبت و ضبط می‌کرده‌اند و گاهی شاه فرمان می‌داده که تاریخ گذشته را برایش بخوانند.

همان‌گونه که نویسنده‌ی کتاب حاضر، دکتر نیکولاس سکوندا، نیز یادآوری کرده است بیشتر منبع‌هایی که امروز ما درباره‌ی هخامنشیان داریم به دست یونانیان نوشته شده است. اومستد در ص ۴۲۷ می‌نویسد «یونانیان داستان‌هایی از خود درمی‌آوردند تا نشان دهند که پادشاهان مستبد شرقی همیشه بدکردار و خرفت هستند.» بایگانی بزرگ و تاریخ‌هایی که هخامنشیان درباره‌ی خودشان نوشته بودند یا از میان رفته یا هنوز به دست ما نرسیده است. تنها بخش کوچکی از این مجموعه‌ی ارزشمند در سال ۱۳۲۳ خ. ۱۹۴۵ م. در بخش گنجینه یا خزانه‌ی دژ پارسه (تخت جمشید) یافت شد که بیشترشان به

زبان‌های بابلی و اکدی نوشته شده بودند و در همان سال‌ها به امانت به دانشگاه شیکاگو در آمریکا سپرده شد تا پژوهیده و خوانده شوند. دکتر ریچارد هَلْک، استاد آن دانشگاه، بسیاری از این گنجینه‌ها را خواند و ترجمه کرد و در سال ۱۳۵۸ خ. / ۱۹۷۸ م. در کتابی منتشر کرد.^۲ این پژوهش پایه‌ی کتاب دیگری شد به نام «از زبان داریوش» نوشته‌ی خانم «هایده-ماری کخ» آلمانی که به زبان پارسی هم ترجمه شده است. دکتر عبدالمجید ارفعی نیز کتابی به نام «گل‌نبشته‌های هخامنشی» در همین زمینه منتشر کرده است.

در اینجا به معرفی برخی از نویسندگان یونانی و اثرهای آنان به ترتیب تاریخ می‌پردازم که در متن این کتاب از آنها یاد شده است:

(۱) اسخولوس یا اسخیلوس^۳: سوگندنامه‌نویس^۴ آتنی (زاده: ۵۲۵ پ.م. در گذشته: ۴۵۵ پ.م.) است. یکی از نمایشنامه‌های او «ایرانیان»^۵ نام دارد که در سال ۴۷۲ پ.م. نوشته شده و به شکست خشایارشا در نبرد دریایی سالامیس در سال ۴۸۰ پ.م. می‌پردازد. وی در زمان خشایارشا می‌زیست و گویا شاهد این نبرد دریایی بوده است. این اثر بیشتر شعر و افسانه و حماسه است و چندان واقعی نیست و پر است از نفرت و کینه نسبت به ایرانیان و خشایارشا. یونانیان باور

۱ Richard Hallock (۱۹۰۶ تا ۱۹۸۰ م. / ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۹ خ.)

۲ این پروژه هم چنان در دانشگاه شیکاگو ادامه داد. برای آگاهی بیشتر رک. نشانی‌های زیر:

<http://oi.uchicago.edu/research/projects/pfa>

و

<http://persepolistablets.blogspot.com>

Aeschylus ۳

tragedian ۴

۵ در یونانی: Persai در انگلیسی: The Persians

داشتند که فرزندان مردان بزرگ دیوانه و ناشایست از آب درمی آیند. از این رو پسر کورش بزرگ (کمبوجیه) و داریوش بزرگ (خشیارشا) در نوشته های آنان مردان دیوانه و ناشایستی نشان داده شده اند.

۲) هرودوت^۱: تاریخ نگار مشهور یونانی (زاده: حدود ۴۸۴ پ.م. مرگ: حدود ۴۲۵ پ.م.) اهل شهر هالیکارناسوس که در زیر فرمانروایی هخامنشیان بود. وی در زمان اردشیر بزرگ، پسر خشیارشا، زندگی می کرد. نام کتاب او Histories است که در اصل به معنای «داستان ها» یا «جست و جوها» است اما به «تواریخ» ترجمه می شود. این کتاب ۹ دفتر دارد. به نظر امیرمهدی بدیع، بزرگ ترین و بی غرض ترین تاریخ نویس عصر هرودوت، یعنی توکیدیدس^۲، او را به عنوان تاریخ نگار قبول ندارد و ارسطو هم او را افسانه پرداز می نامد. با آن که او نگاه چندان مثبتی به ایرانیان نداشته است، شدت دشمنی یونانیان و رومیان با ایرانیان در سده های بعدی به حدی رسید که پلوتارخ، هرودوت را «بربر دوست» و «پدر دروغ گویان» خواند و کتابی به نام «درباره ی بدنهادی هرودوت»^۳ نوشت تا ثابت کند که چون پریکیلس^۴، فرمانروای آتن، یونانیانی او در نگارش این کتاب بوده است هرودوت درباره ی تمام شهرهای دیگر یونانی که مخالف آتن بوده اند (از جمله زادگاه پلوتارخ) آشکارا و عمداً دروغ گفته است.

۳) کتیسایس کنیدوسی: پزشک یونانی که گفته می شود پزشک اردشیر هخامنشی، نوه ی داریوش بزرگ، بوده و در سال ۴۰۱ پ.م. در جنگ میان اردشیر و برادرش کورش جوان شرکت داشته است. کتاب تاریخ و اطلاعات

Herodotus ۱

Thucydides ۲

On the Malice of Herodotus ۳

Pericles ۴

عمومی که درباره‌ی ایران نوشته در یونانی Persika (به معنای «درباره‌ی ایران») خوانده می‌شده است. او نیز تصویر منفی از ایرانیان و دربار هخامنشیان پدید آورده است. در راستگویی او نیز شک شده است.

۴) گزننفون: سرباز و تاریخ‌نگار آتنی (زاده: حدود ۴۳۰ پ.م. مرگ: ۳۵۴ پ.م.). یکی از کتاب‌های معروف او Cyropaedia به معنای «پرورش کورش» است اما به نام «کورش‌نامه» هم شناخته می‌شود. این کتاب، در ۸ دفتر، درباره‌ی زندگی کورش بزرگ است. امروزه باور بر این است که کورش این کتاب شخصیتی نیمه‌تاریخی - نیمه‌افسانه‌ای است و گزننفون شخصیت و فرمانروای آرمانی مورد نظر خود را بر پایه‌ی زندگی کورش هخامنشی بازآفرینی کرده است. هلین سانیسی و نیز نیکولاس سکولاس همین باور را دارند.

کتاب دیگری که گزننفون نوشته است «آناباسیس» یا «کارزار»^۲ نام دارد. این کتاب داستان کارزار کورش جوان با برادرش اردشیر دوم هخامنشی از زبان گزننفون است که خودش در آن نبرد به عنوان مزدور، همراه ده هزار یونانی دیگر، در سپاه کورش جوان جنگید و از نزدیک با ارتش هخامنشی آشنا شد. وی بر پایه‌ی مشاهده‌ها و تجربه‌هایش از ارتش هخامنشیان، توصیه‌های فراوانی برای بهبود و سازماندهی ارتش یونان در قالب دو کتاب ارائه کرد.

۵) دیودوروس سیکولوس یا سیسیلی^۳: تاریخ‌نگار یونانی سده‌ی یکم پ.م. که کتابی نوشت به نام «کتابخانه‌ی تاریخی»^۴ در ۴۰ دفتر. دفترهای ۷ تا ۱۷ مربوط به فاصله‌ی زمانی از جنگ تروا تا زمان اسکندر مقدونی است.

Xenophon ۱

۲ Anabasis این واژه در یونانی به معنای سربالایی و کارزار است

Diodorus Siculus ۳

Bibliotheca historica ۴

۶) استرابون یا استرابو^۱: تاریخ‌نگار، جغرافی‌نگار و فیلسوف یونانی (زاده: ۶۴ پ.م. مرگ: ۲۴ م.). کتابی در ۱۷ دفتر نوشت به نام «جئوگرافیکا»^۲ یا «زمین‌نگاری».

۷) آریانوس یا آریان^۳: تاریخ‌نگار یونانی‌تبار رومی (زاده: حدود ۸۶ م. مرگ: ۱۴۶ م.). کتابی دارد به نام «کارزارهای اسکندر»^۴.

۸) کورتیوس^۵: تاریخ‌نگار رومی سده‌ی نخست م. او کتابی در ۱۰ دفتر درباره‌ی اسکندر مقدونی نوشت و امروزه تنها بخش‌هایی از هشت دفتر آخر آن در دست است.

۹) آتانیوس نکراتی^۶: تاریخ‌نگار و سخنران یونانی‌تبار در سده‌های دوم و سوم م. که در نکراتیس در مصر زاده شد. کتابی در ۱۵ دفتر نوشت به نام Deipnosophistae که معنای متفاوتی برای آن نوشته‌اند از جمله «بزم فرزندان» و در آن بخش‌هایی از آثار نویسندگان دیگر یونانی را نقل کرده است.

۱ Strabo

۲ Geographica

۳ Arrian

۴ Anabasis Alexandri

۵ نام کامل او Quintus Curtius Rufus بود

۶ Athenaeus Naucrati

✓ درباره‌ی این ترجمه

همان‌گونه که گفتیم شناخت دوران هخامنشیان همچنان به پژوهش فراوان نیاز دارد. ترجمه‌ی این کتاب در راستای فراهم آوردن مجموعه‌ی گردآوری درباره‌ی ارتش ایران در دوران باستان و پیش از اسلام است. نخستین جلد این گردایه درباره‌ی اسواران ساسانی بود که در سال ۱۳۸۸ خ. منتشر شد. اینک کتاب دوم پیشکش می‌شود که ترجمه‌ی ارتش هخامنشیان است. این کتاب در قالب تاریخ کلی هخامنشیان و بر پایه‌ی سندهای قوشتاری و باستان‌شناختی و نانوشته‌ی بازمانده از آن دوران به پیشرفت و فرگشت ارتش هخامنشیان می‌پردازد. دکتر سکونداز کارشناس سرشناس در زمینه‌ی ارتش هخامنشیان است و این کتاب هم دستاورد او در این زمینه است و همان‌طور که خودش در آغاز کتاب گفته است پژوهش در زمینه‌ی ارتش هخامنشیان هنوز در دوران نوزادی است و تا این کودک جوانی برومند شود سال‌ها کار و تلاش باید کرد. این کتاب در سال ۱۳۹۲ م/ ۱۳۷۱ خ. نوشته شده و از آن زمان نزدیک بیست سال می‌گذرد اما این کتاب همچنان از منبع‌های مهم در زمینه‌ی ارتش هخامنشیان است.

کوشش من در ترجمه همواره بر آن بوده است که ترجمه‌ای درست و امانتدار اما سنجشگر انجام دهم. یعنی هر جا که در متن ادعایی شده است کوشیده‌ام آن را بسنجم و بررسی کنم و اگر سخن نویسنده با واقعیت نمی‌خواند به خواننده بگویم. متأسفانه برخی از مترجمان به ویژه در زمینه‌های تاریخی، تنها به برگرداندن متن بسنده می‌کنند و هیچ کوششی در زمینه‌ی واری متن نمی‌کنند. به نظر من این گونه ترجمه‌ها به معنای هم‌آوایی با نویسنده است.

نکته‌ی دیگر این که کوشیده‌ام که تا جای ممکن نام‌ها را با تلفظ اصلی آنها بنویسم یعنی کوشیده‌ام بر پایه‌های منبع‌های پژوهشی مانند دانشنامه‌ی ایرانیکا و دیگر اطلاعات زبان‌شناختی، نام یونانیان و نام ایرانیان را تا جای شدنی به گونه‌ی درست و نزدیک به شکل تاریخی آنها بنویسم و بخوانم. برای نمونه نام سرداری ایرانی را در بیشتر جاها «تیسافرنس» می‌نویسند اما شکل

پارسی آن «چیره‌فرنه» است و من هم در متن همین نام را به کار برده‌ام. یا نام یونانیان را مترجمان بسته به زبانی که بدان آگاه اند و از آن ترجمه می‌کنند با تلفظ انگلیسی یا فرانسوی یا آلمانی می‌نویسند برای نمونه Aeschylus را ایسکیلوس یا اشیلیوس/آشیل می‌نویسند اما من آن را اسخولوس نوشته‌ام. نام شهر Miletus را ملطیه یا ملط یا میله می‌نویسند اما من میلتوس نوشته‌ام.

همه‌ی پانویس‌ها (به جز آنها که ارجاع و بازبرد به خاستگاه و منبع مورد اشاره‌ی متن است) از مترجم بوده و هدف از آنها تنها دادن آگاهی بیشتر به خوانندگان عمومی است. دانشجویان و دانش‌پژوهان تاریخ، به یقین، اطلاعات دقیق‌تری درباره‌ی آنها دارند. مسئولیت درستی این پانویس‌ها با مترجم بوده و نویسنده هیچ مسئولیتی در این باره ندارد. در نگارش این پانویس‌ها از منبع‌های زیر بهره گرفته‌ام:

- فرهنگ دهخدا، شادروان علامه علی اکبر دهخدا، (نسخه‌ی لوح فشرده، روایت دوم)
- فرهنگ پیشروی آریان پور، (نسخه‌ی لوح فشرده)
- دانشنامه‌ی ایرانشناسی
- دانشنامه‌ی بریتانیکا

درباره‌ی نقاشی‌های رنگی این کتاب هم باید یادآور شوم که هدف اصلی آنها بازنمایی جزئیات و ریزه‌کاری‌های تاریخی و پژوهشی است و باید به آنها بیشتر از دید اطلاعات تاریخی نگاه کرد نه از دید هنری صرف. در پایان از انتشارات اسپری که اجازه‌ی این اثر را به من دادند سپاسگزارم.

یوسف امیری

شهریور ماه ۱۳۸۸

این ترجمه در شهریور سال ۱۳۸۸ به پایان رسیده بود اما به دلیل برخی گرفتاری‌ها چاپ آن تا امسال (۱۳۹۱) به درازا کشید.